

بزرگداشت محمدقاضی در انتشارات «دف»



● شرق: خانه کتاب نشر «دف» امروز پنجشنبه، ۲۴ دی در سالروز درگذشت «محمد قاضی» میزبان مراسم بزرگداشت این مترجم فقید خواهد بود. در این مراسم که با حضور خانم مجلسی، دختر زنده‌یاد قاضی و جمعی از دوستداران و علاقه‌مندان آثار این مترجم برگزار می‌شود اسدالله امرایی به بررسی خصایص ترجمه قاضی و داستان خوانی از کتاب‌های ترجمه‌شده او می‌پردازد. محمد قاضی در روز ۱۲ مرداد ۱۲۹۲ در مهاباد به دنیا آمد و در حالی در ۲۴ دی ۱۳۷۶ از دنیا رفت که آثار برجسته‌ای چون دن‌کیشوت، شازده‌کوجولو، زوربای یونانی و... را در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان گذاشته بود. خانه کتاب نشر دف واقع در زیر پل سیدخندان، امروز پنجشنبه، بیست‌وچهارم دی از ساعت ۱۷ تا ۱۹ پذیرای عموم علاقه‌مندان خواهد بود.

پرفورمنس «دایره» در موزه هنرهای معاصر



● شرق: اشا صدراشکوری، «دایره» را در موزه هنرهای معاصر اجرا خواهد کرد. پنجشنبه ۲۴ دی، اشا صدراشکوری، پرفورمر، نویسنده و مدرس دانشگاه، با اثری به‌نام «دایره» در فستیوال «سی پرفرمنس، سی هنرمند، سی روز» در موزه هنرهای معاصر، حضور خواهد یافت. اشا صدر، دکترای تئاتر، سینما و رسانه از دانشگاه هنر و فلسفه چارلز و دانشگاه هنر وین، اجراهای بین‌المللی «هیپولیت» در فرانسه، آلمان و آمریکا را با همراهی گروه هنری گوسان در کارنامه خود دارد. پنجمین دوره فستیوال «سی پرفرمنس، سی هنرمند، سی روز» به کیورتوری امیر راد، در موزه هنرهای معاصر به آدرس تهران، خیابان کارگر شمالی، جنب پارک لاله، موزه هنرهای معاصر، برگزار می‌شود.

عسل عباسیان:باغ سفارت فرانسه در خیابان نوفل لوشاتوی تهران، غروب سه‌شنبه ۲۲ دی، میزبان آیدین آغداشلو، نقاش و پژوهشگر هنر، بود تا سفیر «برونو فوشه»، نشان شوالیه وزارت فرهنگ این کشور را بر سینه او بیاویزد. مراسم خیلی جمع‌وجور برگزار شد. وقتی با آغداشلو تماس گرفته بودند برای اهدای این نشان، او گفته بود مایل است مراسم اعطای نشان شوالیه، خصوصی و جمع‌وجور باشد و آقای نقاش مثل همیشه مایل نبود خودنمایی کند، به همین سبب خودش کسی را برای شرکت در مراسم دعوت نکرد. جمعی حدوداً ۱۰انفره با حضور داریوش شایگان در سفارت فرانسه گردهم آمده بودند تا سفیر پس از

صحبت از جایگاه آغداشلو در فرهنگ فرانسه و اشاره به اهمیت کارهای او در این کشور، مدال شوالیه را بر سینه او بیاویزد. آغداشلو هم پس از دریافت این نشان از برونو فوشه تشکر کرد و بابت اینکه در همه این سال‌ها برای مردم کشورش کار کرده اما امروز شاهد آن است که احتمالاً کارهایش آن‌قدر تأثیرگذار بوده که به خارج از ایران هم رسیده و قدردانی هم می‌شود، ابراز خوشحالی کرد. آغداشلو در این مراسم درباره اهمیت دریافت این نشان، به «شرق» گفت: «این نشان

مهم‌ترین نشان وزارت فرهنگ و هنر فرانسه است اما اگر بخواهم بگویم برای من دریافتش چه اهمیتی دارد، باید اشاره کنم به اینکه شوالیه برایم نشان از آن دارد که در فرامرزهای حوزه فرهنگی مملکت خودم هم شناخته شده‌ام. این نشان نوعی قدردانی از سوی وزارت فرهنگ فرانسه است، بدون اینکه من آن را خواسته باشم به من داده شده و برایم مفهوم دلپذیری دارد». آغداشلو درباره قرابتش با فرهنگ فرانسه نیز می‌گوید: «من بیش از مانوس‌بودن با فرهنگ فرانسه،

طی این سال‌ها با فرهنگ انگلیسی‌زبان مانوس بودم اما فرهنگ فرانسه هم در زندگی تک‌تک هم‌نسلانم تأثیر گذاشته به‌خصوص بر نسلی که بعد از ۱۳۴۰ جدی کار کرد. یک نقاش چه مستقیم و چه غیرمستقیم از آنچه در قرن بیستم در فرانسه گذشته نمی‌تواند بی‌اطلاع باشد و تأثیر نگرفته باشد. بنابراین من نیز از فرهنگ این کشور الهام گرفته‌ام». اما اهمیت دریافت این نشان چیست؟ اهمیت این نشان در آن است که دریافت‌کننده‌اش احساس

آغداشلو، همچون خیام

تسلطش بر سوزنه نشان دارند. هیچ چیز در هنرش به تصادف و اتفاق واگذار نمی‌شود، و همه عناصر در چنگ ارادهٔ توانا و مقتدری قرار دارند که دخالت هرگونه پیشامد و رویداد پیش‌بینی‌نشده‌ای را منتفی می‌سازد، و این همه از آن‌روست که همه چیز در هنرش تابع مبانی و بیش منسجم و محکم اوست.

هنر آغداشلو یک صنعت (craftsmanship) راستین است، یا به‌عبارتی دیگر، هنرآفرینی‌اش نوعی استادکاری و چیره‌دستی را می‌طلبد. اگرچه این خصلت بر تمامی آثار وی به‌طور کلی غلبه دارد، در بخش نقاشی‌های ایرانی وجهی بارزتر می‌یابد. در اینجا نیز همانند پرتره‌های سبک رنسانس ایتالیایی به ایده «انهدام» و «آخرا‌الزمان[۱]» برمی‌خوریم که البته این‌بار در قالب انفجار ظاهر می‌شوند. اوج استادکاری و چیره‌دستی آغداشلو، که یادآور ظرافت و وسواس به‌کاررفته در اشیای نفیسی چون یک قطعه طلای مرصع‌کاری‌شده است، در اجرای دقیق تکه‌های منهدم‌شدهٔ آشیایی خودنمایی می‌کند که به‌سبب انفجاری ناگهانی در سراسر تابلو پراکنده شده‌اند. آغداشلو اشیا را می‌شکند، مجاله و پاره‌پاره می‌کند، و گاه به‌صورتی متفاوت سرهمشان می‌سازد.

این رفتار آغداشلو در مواجهه با هنر سنتی، با رفتار پراخ‌شگرانهٔ غربیان، مثلاً به‌سخره‌گرفتن مونالیزا داوینچی، تفاوت بسیار دارد. نه! آغداشلو شامل‌شکن نیست. چیرگی او بر تکنیک و روح هنرهای سنتی بیش از آن است که به این هنرها هنک حرمت کند. هدف او به‌تصوریکشدن نابودی تدریجی گرانهاترین چیزها و عالی‌ترین رؤیاهاست. نگاه خیامی آغداشلو، اینجا نهفته است. او نیز چون خیام در پی آن است که با نمایش کوزه‌های شکسته، ظروف ترک‌برداشته و لب‌پُر، و مینیاتورهای مجاله‌شده، فروپاشی و توهم تکرار را به قالب تصویر درآورد.

باری، این نقاش تعریف‌ناپذیر را در کجای هنر ایران و جهان می‌توان جا داد؟ چگونه می‌توان این وجهه متناقض و متعارض را در پیشه‌های متعدد او با هم آشتی داد: کارگر، خوشنویس، و نقاشی که از تمامی سرچشمه‌های الهام‌بخش غربی و شرقی بهره دارد؟ پاسخ به این پرسش همان‌قدر دشوار است که یافتن حقیقت هنر در زمان کنونی. هیچ معیار محکم و تغییرناپذیری، دیگر از عهده تعیین ارزش‌های زیبایی‌شناختی برنمی‌آید. ژوزف بوپس [۲] در کتیبهٔ نمای ساختمان مرکز ژرژ پمپیدو [۳] آورده است: «هر انسانی یک هنرمند است، و این هم سهم مشارکت من در تاریخ هنر». این جمله یعنی همه هنرمندند و هیچ‌کس هنرمند نیست، زیرا اگر انسان به‌صورت بالقوه هنرمند باشد، پس باید هنرش صورتی بالفعل هم بیابد و این امر گذشته از استعداد پنهان، مستلزم نوعی مهارت و شناخت حرفه‌ای است.

ژان‌فیلیپ دومک می‌گوید یک فیلم کوتاه سه‌دقیقه‌ای را در نظر آورید که شاهکارهای هنری تاریخ بشری، از نقاشی‌های غار لاسکو تا آثار زمان حال، را در برابر چشمان شگفته‌زده شما به نمایش گذاشته است. آثار مختلف پی‌درپی و یکی پس از دیگری ظاهر می‌شوند، ولی به‌یکباره وقفه و گسستی در این رژه منظم رخ می‌دهد: اثری از پیکاسو، غول قرن بیستمی. در پانزده ثانیهٔ پابانی که به قرن بیستم اختصاص یافته است، هیچ‌یک از تصاویر با مجموعهٔ پیش از خود خویشی و نسبتی ندارند: «یک اثر انتزاعی از کاندینسکی [۴]، مربع

توسط سفیر فرانسه در تهران

آیدین آغداشلو در سکوت شوالیه شد



خواهد کرد حاصل کارش نه‌فقط در حوزه فرهنگ خودش، که در خارج از این حوزه فرهنگی هم شناخته شده. اما آغداشلو به نکته ظریفی درباره این نشان هم اشاره دارد: «اگر کسی بخواهد از این نشان یا هر تقدیرنامه دیگری وسیله‌ای بسازد برای اینکه شاهی باشد بر اینکه بگوید حاصل کار من تأیید شده، این حاصلی جز به بیراهه‌رفتن ندارد. چون تأییدکننده آثار یک هنرمند فقط تاریخ است. نهایتاً این مردم هستند که باید اثر یک هنرمند را تأیید کنند». در این مراسم پس از صحبت آغداشلو، داریوش شایگان متنی درباره این هنرمند به زبان فرانسوی خواند که سپس ترجمه فارسی‌اش توسط کیانوش

انصاری قرائت شد.

از آغداشلو هیچ بعد نبود این مراسم را در سکوت و خلوت رقم بزند، چراکه در قاموس او حتی برگزاری نمایشگاه انفرادی از آثار نقاشی هم نوعی خودنمایی است. او تا جایی از این خودنمایی‌گریزان است که تا ۴۰ سال هرگز نمایشگاه انفرادی از آثارش برگزار نکرد، بااین‌حال درست دو ماه و چند روز پس از تولد ۷۵سالگی‌اش، او نیز یکی از شوالیه‌های ایرانی بود که در حافظه هنر و ادب فرانسه ثبت شد.

سیاه مالویچ [۵]، شبکهٔ موندریان [۶]، اثری از کله [۷]، یک لیتوگراف از خوان میرو [۸]، آبریزگاه دوشان [۹]، کلازهای ماتیس [۱۰]، تصویر زن اثر دکونینگ [۱۱]، رنگ‌پاشه‌های (dripping) پولاک [۱۲]، بوم‌های نامتعارف (shaped canvas) استلا [۱۳]، پرچم آمریکا اثر جانز [۱۴]، سوپ کمپبل [۱۵] اثر وار هول [۱۶]، یک ستون از موریس [۱۷]، یک پلاک از سرا [۱۸]، و یک میکی از جف کوئنز [۱۹]... [۲۰].

همه‌چیز این دنیا در درون گرداب فرم‌های متلاشی‌شده تحلیل می‌روند و سرانجام هیچ ضابطه‌ای برای ارزش‌گذاری برجا نمی‌ماند، و دیگر هنر چیزی نیست مگر الهام و بدیهه و رفتاری هرچه‌غریب‌تر و عجیب‌تر. کوپی که آثار ساخته‌گزیدهٔ (ready-made) مارسل دوشان به الگویی محتوم برای تمامی ابداعات هنری در دنیای معاصر بدل شده است.

در این کارناوال بزرگ هنری، آیدین آغداشلو را نمی‌توان جا داد. او به جهانی دیگر تعلق دارد. در دنیای او پیوند با روح یک فرهنگ ضرورتی حیاتی دارد، خواه این فرهنگ بینش خیالی دنیای ایرانی باشد، خواه قله‌های سترگ هنر غرب. آغداشلو در این ضیافت اصوات نام‌وزن هنر مدرن غایب است. چون تنهاست. تنهایی‌اش تاوان نسل اوست، نسلی که همه‌چیزش آغازی دوباره از صفر بوده است، و مستلزم آموزش ریاضت‌وار و جانکاه، او در کارزاری گرفتار آمده بود که یک سرش را سنتی تشکیل می‌داد که دیگر به تشیع جنازه‌ای می‌ماند، و سر دیگرش را دنیایی جدید که هنوز کاملاً استقرار نیافته بود، یعنی به تمامی میان «دیگر هرگز» و «هنوز نه» زندگی می‌کرد. غیاب سیلان عاطفی و لگام‌گسیختگی در هنر آغداشلو، حاصل تسلط وی بر خوشتنش است. هنر او فاقد احساس‌های تند و سودایی است، بر شکوه‌های دل ره نمی‌کشاید، به تپش‌گریزه و افسوسگری دنیای نساآگاه تن در نمی‌دهد، خود را به دیوهای اضطراب نمی‌سپارد، و به آشفتنگی حواس و به وسوسه و سودا مجال نمی‌دهد. برعکس، ذکاوت او زلال و شفاف و اندکی سرد است. آغداشلو از آن روشن‌نگری کمپایی برخوردار است که قادرش می‌سازد با نگاهی بی‌تعلق به پوچی این دنیای جنون‌زده نظاره کند.

- Apocalypse
- Joseph Beuys (۱۹۲۱-۱۹۸۶)
- Centre Georges Pompidou
- Wassily Kandinsky (۱۸۶۶-۱۹۴۴)
- Kazimir Malevich (۱۸۷۸-۱۹۳۵)
- Piet Mondrian (۱۸۷۲-۱۹۴۴)
- Paul Klee (۱۸۷۹-۱۹۴۰)
- Juan Miro (۱۸۹۳-۱۹۸۳)
- Marcel Duchamp (۱۸۸۷-۱۹۶۸)
- Henri Matisse (۱۸۶۹-۱۹۵۴)
- Willem de Kooning (۱۹۰۴-۱۹۹۷)
- Jackson Pollock (۱۹۱۲-۱۹۵۶)
- Frank Stella (۱۹۳۴)
- Jasper Johns (۱۹۳۰)
- Campbell's Soup
- Andy Warhol (۱۹۲۸-۱۹۸۷)
- Robert Morris (۱۹۳۱)
- Richard Serra (۱۹۳۹)
- Jeff Koons (۱۹۵۵)
- Jean-Philippe Domecq, Misère de l'art, Essai sur le dernier demi-siècle de Cré-

کیارستمی در جمع خبرنگاران ترکیه سینما کیفیت خود را از دست می‌دهد



● عکس‌هایی دیده‌نشده از عباس کیارستمی روی دیوارهای موزه کشور همسایه به‌روی دیوار رفت. او که به‌مناسبت برپایی این نمایشگاه در میان خبرنگاران ترک حاضر شد، از وضعیت سینما و عکس در دنیای امروز صحبت کرد. نمایشگاهی از عکس‌های عباس کیارستمی که به‌گفته رسانه‌های ترکی جامع‌ترین نمایشگاه عکس‌های این کارگردان شناخته‌شده ایرانی در ترکیه است، روی دیوارهای موزه «جر مدرن» در آنکارا، پایتخت ترکیه به‌نمایش گذاشته شده است. یک روز پیش از آغازبه‌کار نمایشگاه، کیارستمی در یک نشست رسانه‌ای حاضر شد و گفت: «این عکس‌ها نه‌تنها در ترکیه، بلکه در دنیا هم برای اولین‌بار به‌روی دیوار رفته‌اند». او در توضیح بیشتر این عکس‌ها عنوان کرد: «هر عکس، یک فیلم صامت است و روایت‌گونه نیستند؛ بنابراین باید قبول کرد که اینها عکس بوده و بعد متحرک شده و به فیلم تبدیل شده‌اند پس اصالت هر دوی آنها یکی هستند». کارگردان «مشق شب» در بخش دیگری از این نشست به سینما هم اشاره کرد: «آنچه مشخص است این است که سینما روزه‌روز کیفیت خود را ازدست می‌دهد. برای مشخص‌شدن ارزش‌ها و ماندگاری یک فیلم واقعی باید حداقل ۳۰ سال از ساخت آن سپری شود. اگر تلاش جوان‌ها را برای ساخت فیلم‌های مستقلی که زیر سلطه سرمایه نیست، نادیده بگیریم، می‌توانیم بگوییم دنیا دارد به سمت یک سینمایی که غرابت نزدیکی به سریال دارد، نزدیک می‌شود». کیارستمی همچنین تأکید کرد که عکاسی مانند فیلم‌سازی به بوده‌جا وابسته نیست و پیشرفت مستقلی دارد. او گفت تصاویری که ما با تلفن‌های هوشمند می‌گیریم، تنها هدفشان این است که لحظات شخصی ما را جاودانه کنند و افزود: «این نوع تصاویر نمی‌تواند به‌عنوان یک عکاسی واقعی درنظر گرفته شود». کیارستمی معتقد است که این فلسفه می‌تواند دیدگاه یک عکاس درست و واقعی باشد و حرفه عکاسی خبری از شغل‌های جدی است، نمایشگاه عکس‌های عباس کیارستمی با ۴۳ اثر تا ۱۰ آوریل در آنکارا در حال نمایش است.

توضیح صدواسیما درباره گرفتن یک تعهد

● شرق: روابط عمومی سازمان صدواسیما اعلام کرد اقدام این سازمان در اخذ تعهد از فیلم‌سازان، بر اساس منع قانونی پخش تیزر فیلم‌های سینمایی در شبکه‌های ماهواره‌ای است. بیرو درج مطلبی در برخی روزنامه‌ها و سایت‌های خبری با این موضوع که صدواسیما برای پخش تیزر فیلم‌های سینمایی تولید داخل از سازندگان تعهد کتنی می‌گیرد، روابط عمومی صدواسیما توضیح داده است: «صدواسیما به عنوان رسانه‌ای فراگیر بیشترین سهم را در معرفی تولیدات سینمایی کشور داشته است. یکی از راه‌های حمایتی رسانه ملی از صنعت سینمایی کشور، پخش آگهی‌های آنها در قالب‌های مختلف تصویری (تیزر)، زیرنویس و رادیویی است. اما آنچه در این بین از اهمیت برخوردار است و برخی از منتقدان به آن توجهی ندارند، این است که بخش عمده‌ای از تیزرهای فیلم‌های سینمایی تولید داخل کاملاً به صورت رایگان از سوی صدواسیما پخش می‌شود تا رسانه ملی نیز به سهم خود در پازل حمایت از صنعت سینما نقش خود را ایفا کرده باشد.درواقع نگاه رسانه ملی به پخش رایگان تیزر فیلم‌های سینمایی داخلی، نگاهی حمایتی است که با هدف معرفی این فیلم‌ها و تشویق مخاطبان برای تماشای آنها انجام می‌شود. از سویی مسئولان سینمایی کشور نیز بارها به‌صراحت اعلام کرده‌اند پخش تیزرهای سینمایی در شبکه‌های ماهواره‌ای غیرمجاز، منع قانونی دارد، بنابراین سازندگان این فیلم‌ها نباید تیزر فیلم‌هایشان را برای تبلیغ در اختیار شبکه‌های غیرمجاز ماهواره‌ای قرار دهند. به همین دلیل اداره کل بازرگانی صدواسیما با بررسی‌های کارشناسی به این نتیجه رسید که در ادامه این حمایت، در فرم قرارداد پخش تیزر، این تعهد را از سازنده اخذ کند که چنانچه از حمایت فرهنگی رسانه ملی برای پخش رایگان برخوردار شود، نمی‌تواند تیزر فیلم خود را برای پخش در اختیار شبکه‌های ماهواره‌ای غیرمجاز قرار دهد. بنابراین اگر اثبات شود سازنده پس از بهره‌مندی از حمایت رسانه برای پخش رایگان تیزر، آن را برای تبلیغ در اختیار شبکه‌های ماهواره‌ای قرار داده است، باید حق پخش تیزر را به صدواسیما پرداخت کند؛ تعهدی که طرفین با رضایت و به‌منظور اجرای سیاست‌های فرهنگی و هنری کشور آن را امضا می‌کنند».